

ایران ورزشی

روایت

کارت قرمزبه اخلاق در دیپلماسی فوتبال

چرا IOC چشم بر پرونده ترامپ و اینفانتینو بست؟



پرونده جنجالی لغو محرومیت فولارین بالوگان، ستاره تیم ملی آمریکا در جام جهانی ۲۰۲۶، حالا به یک زلزله سیاسی-ورزشی در بالاترین سطوح مدیریتی جهان تبدیل شده است. در حالی که افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی منتظر واکنش سختگیرانه بودند، کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) اعلام کرد شکایات مطرح‌شده علیه جیان اینفانتینو را بررسی نخواهد کرد. با این حال، شستن دست‌های IOC از این جنجال، نه تنها آتش حواشی را خاموش نکرد، بلکه فشارها را بر رئیس سوئیسی-ایتالیایی فیفا به اوج رسانده است.

جرقه این آتش سوزی بزرگ در مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ زده شد؛ جایی که در جریان دیدار حساس آمریکا و بوسنی و هرزگووین، فولارین بالوگان مهاجم ۲۵ ساله آمریکایی‌ها به دلیل خطا روی تارک تارک موهارموویچ با کارت قرمز مستقیم داور اخراج شد. طبق نص صریح قوانین تورنمنت، این کارت قرمز به معنای محرومیت قطعی او از نبرد مرگ و زندگی مقابل بلژیک بود اما درست در فاصله‌ای کوتاه تا شروع این مسابقه، ناگهان مجزءای انضباطی رخ داد و کمیته انضباطی فیفا در تصمیمی بی‌سابقه محرومیت بالوگان را به حالت تعلیق درآورد تا او برابر بلژیک به میدان برود؛ دیداری که البته در نهایت با شکست سنگین «بریک آمریکایی‌ها و وداع تلخشان همراه شد.

شوگ اصلی اما ساعاتی بعد وارد شد؛ زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، علناً مج اینفانتینو را گرفت و فاش کرد شخصاً در پرونده دخالت کرده است. ترامپ با همان لحن صریح همیشگی‌اش اعلام کرد: «من مستقیماً با جیان تماس گرفتم و خواستم صحنه را دوباره نگاه کنند، چون معتقد بودم داور کاملاً اشتباه کرده است. آنها هم تصمیم فوق‌العاده‌ای گرفتند و حق را به ما دادند!»

اعتراف علنی ترامپ موجی از خشم را در میان جوامع فوتبالی به راه انداخت و اتهام «مداخله مستقیم سیاست در رکن قضایی فیفا» را به صدر اخبار برد. اینفانتینو که خود را در محاصره انتقادات می‌دید، هرگونه اعمال نفوذ را تکذیب کرد و مدعی شد ارکان قضایی فیفا کاملاً مستقل عمل می‌کنند. او تأکید کرد که با ترامپ تلفنی صحبت کرده، اما مدعی شد در این مکالمه صرفاً «استقلال ساختار انضباطی فیفا» را برای رئیس‌جمهور آمریکا شرح داده و هیچ دسترسی صادر نکرده است؛ توجیهی که البته کمتر کسی در مطبوعات ورزشی آن را باور کرد.

همزمان با این جنجال، نهاد نظارتی حقوق بشری FairSquare شکایتی سنگینی را علیه کمیسیون اخلاق IOC کرد. این نهاد مدعی شد اینفانتینو، که از سال ۲۰۲۰ عضو رسمی IOC نیز هست، اساسنامه المپیک در حفظ بی‌طرفی سیاسی را رسماً زیر پا گذاشته است. فهرست اتهامات اینفانتینو در این شکایت بسیار سنگین و تأمل برانگیز بود؛ از انتشار ویدیوهای متعدد در حمایت علنی از ترامپ و کمیون تبلیغاتی برای اعطای جایزه صلح نوبل به رئیس‌جمهور آمریکا گرفته تا ابداع و اهدای اولین «جایزه صلح فیفا» به او، حضور در نشست‌های سیاسی ترامپ و حتی به سر گذاشتن کلاه معروف تبلیغاتی «۴۷-۴۵».

با وجود این اسناد انکارناپذیر، IOC در بیانیه‌ای رسمی شانه خالی کرد و مدعی شد این پرونده مربوط به تصمیمات داخلی و مدیریتی فیفاست و در صلاحیت کمیسیون اخلاق المپیک نمی‌گنجد؛ خط بطلانی بر یک شکایت جنجالی که نشان داد المپیک تمایلی به درافتادن با امپراطوری فیفا ندارد.

اما شستن دست‌های IOC پایان داستان نیست. فدراسیون فوتبال نروژ به ریاست لیزه کلاونس، چهره معترض و سرسخت فوتبال اروپا، اعلام کرد به طور رسمی از فیفا به دادگاه‌های بین‌المللی شکایت خواهد کرد. کلاونس تأکید کرد شواهد متقن نشان می‌دهد تصمیمات انضباطی جام جهانی تحت تأثیر فشار عوامل بیرونی تغییر کرده و این امر، اعتبار و کيان قوانین فوتبال را نابود می‌کند. همزمان با نروژ، ده‌ها نماینده پارلمان اروپا نیز وارد معرکه شده و طی نامه‌ای رسمی، خواستار تحقیقات مستقل درباره روابط تاریک سیاسی اینفانتینو و ترامپ و نحوه لغو محرومیت بالوگان شده‌اند.

پرونده‌ای که با یک کارت قرمز ساده در مستطیل سبز جام جهانی ۲۰۲۶ شروع شد، حالا به باتلاقی از رسوایی‌های سیاسی و مدیریتی برای جبهه اینفانتینو تبدیل شده است. باید دید آیا رئیس فیفا می‌تواند از این طوفان سنگین اروپایی‌جان سالم به در ببرد یا کارت قرمزی که برای بالوگان پاک شد، سرانجام گریبان خودش را خواهد گرفت.

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری نصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جواد
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۴۱۱۳۳ • فاکس: ۸۴۷۱۱۷۳۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سالنامه آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۴۱۲۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۵۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵

اکبر عبدی؛ از رفاقت با علی دایی و علی پروین تا ارادت به ناصر حجازی

خدا حافظ آقای لبخند

انگار می‌گفت: «فوتبال اگر حرمت نداشته باشد، دیگر بازی نیست.» برای همین، حتی وقتی بحث قرمز و آبی داغ می‌شد، او بیشتر شبیه دآوری بود که اجازه نمی‌دهد بازی از مسیرش خارج شود.

در دنیای او، فوتبال تنها زمین بازی نبود. کشتی هم جایگاه ویژه‌ای داشت؛ چه آزاد، چه فرنگی. عبدی به پهلوانی نگاه می‌کرد، نه فقط به قهرمانی. برایش مهم نبود چه کسی مدال می‌گیرد؛ مهم این بود که چه کسی مردانه روی تنک می‌ایستد. همان‌طور که در فوتبال، برایش مهم‌تر از گل، رفتار بازیکن بود. اما اگر قرار بود در این ترکیب، یک کاپیتان انتخاب شود، بدون شک نام ناصر حجازی روی لب‌بند می‌نشست.

حجازی برای عبدی فقط یک دروازه‌بان نبود؛ یک معیار بود، یک خط کش برای سنجیدن بزرگی. هر بار که از او حرف می‌زد، صدایش آرام‌تر می‌شد، انگار داور منطقه‌ای مقدس شده باشد.

احترامش به حجازی، شبیه ایستادن یک تماشاگر در لحظه‌ای بود که همه ورزشگاه به احترام یک اسطوره سکوت می‌کند. و بعد، آن صحنه غیرمنتظره؛ سال ۱۳۹۳.

جایی که عبدی، با تمام آبی بودنش، پا به جشن رونمایی پیراهن پرسپولیس گذاشت. نه برای تغییر رنگ، بلکه برای

پرسپولیس مشتری پروپاقرص گل‌گهر

نوبت خرید گزارشگر می‌رسد؟

باشگاه پرسپولیس در ادامه فعالیت خود در بازار نقل‌وانتقالات، بار دیگر به سراغ گل‌گهر سیرجان رفت و با جذب پویا پورعلی، چهارمین خرید خود را از این باشگاه قطعی کرد؛ اتفاقی که دستمایه شوخی گسترده هواداران در فضای مجازی شده است.

سرخپوشان پیش از این مهدی نیکدروی، مجید عدی و پوریا شهرآبادی را از گل‌گهر

به خدمت گرفته بودند و حالا با اضافه شدن پورعلی، تعداد خریدهای این باشگاه از تیم سیرجانی به چهار بازیکن رسیده است. همین موضوع باعث شده برخی کاربران، پرسپولیس را با کنایه «شعبه تهران گل‌گهر» بنامند.

در کنار این شوخی‌ها، نام مهدی تارتار، سرمربی سابق گل‌گهر و فعلی پرسپولیس نیز مطرح شده و برخی معتقدند او

علاقه ویژه‌ای به استفاده از بازیکنان تیم سابقش دارد. اما جالب‌ترین واکنش هواداران، پیشنهاد جذب رامین شایبی، گزارشگر باسابقه مسابقات گل‌گهر بود. کاربران شبکه‌های اجتماعی با لحن طنزآمیز نوشتند: «حالا که پرسپولیس اینقدر از گل‌گهر خرید می‌کند، گزارشگرش را هم به تهران ببرد تا پرونده انتقال‌ها کامل شود!»



از بازی رفت، اما سبک بازی‌اش ماند؛ بازی با احترام، با عشق، و با لبخندی که حتی در لحظه خداحافظی هم خاموش نمی‌شود. روحش شاد و یادش گرامی.

حالا که سوت پایان زده شده، جای او در این ورزشگاه بزرگ خالی است. اما هنوز می‌شود صدای خنده‌اش را از لایه‌لای سکوها شنید؛ هنوز می‌شود در رفاقتش را در زمین دید. او

حفظ یک رفاقت. کنار علی دایی ایستاد و نشان داد که بعضی بازی‌ها، نتیجه‌شان روی اسکوربرد نوشته نمی‌شود؛ در دل‌ها ثبت می‌شود.

هنرمندی که فوتبال را عاشقانه دوست داشت

وداع با مارادونای سینما

یادبود

اکبر عبدی، بازیگر نام‌آشنای سینما و تلویزیون ایران که روز جمعه در ۶۶ سالگی درگذشت، نه تنها با نقش‌های ماندگارش در عرصه هنر، بلکه با علاقه عمیق و بی‌شائبه‌اش به فوتبال و به‌ویژه باشگاه استقلال، در یادها خواهد ماند. او سال‌ها یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های هنری در میان هواداران فوتبال بود و بارها از دلبستگی خود به این ورزش سخن گفته بود.

اکبر عبدی، ستاره درخشان سینما و تلویزیون ایران که در سن ۶۶ سالگی چشم از جهان فروبست، نه تنها با هنرنمایی‌های بی‌بدیل و نقش‌های جاودانه‌اش در تاریخ سینمای ایران ماندگار شد، بلکه علاقه بی‌حد و حصر او به فوتبال فصلی فراموش‌نشدنی در زندگی پرپرارش رقم زد. کمتر کسی بود که از این جنبه از شخصیت او بی‌خبر باشد؛ عبدی سال‌ها به عنوان یکی از برجسته‌ترین هنرمندان هوادار فوتبال شناخته می‌شد و بارها با شور و اشتیاق از عشق خود به این ورزش سخن گفته بود.

اکبر عبدی هیچ‌گاه علاقه خود به استقلال را پنهان نمی‌کرد. او در مصاحبه‌های متعدد، خود را یک «استقلالی دآتشه» معرفی کرده و همواره تأکید داشت که آرزویش موفقیت و قهرمانی این تیم است.

آن از تمام کسانی که در دوران بیماری جویای احوالش بودند، قردرانی کرد. این تصویر، برای بسیاری از علاقه‌مندان، نمادی از رابطه گرم و صمیمانه او با اهالی فوتبال بود و در ذهن‌ها حک شد. عبدی نه تنها در آثار کمدی و نقش‌های خانوادگی درخشید، بلکه با جسارت، به سراغ شخصیت‌های اجتماعی و انتقادی نیز رفت. یکی از این نقش‌های کمتر‌مورد توجه قرار گرفته، حضور او در سریال فوتبالی «به‌سوی افتخار» به کارگردانی سیروس مقدم بود که در سال ۱۳۷۷ از شبکه سه سیما پخش شد. این مجموعه که از پیشگامان آثار تلویزیونی با محوریت فوتبال ایران محسوب می‌شود، عبدی را در قامت یک دلال فوتبال به تصویر کشید. شخصیت او، با ارتباطات پنهانی، وعده‌های فریبنده و تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مدیران و مربیان، نمادی از واسطه‌هایی بود که منافع مالی را بر اصول حرفه‌ای ترجیح می‌دادند. در آن زمان، موضوع دلالی در فوتبال به اندازه امروز مورد توجه افکار عمومی نبود، اما این نقش به نوعی هشدار زود هنگام درباره پدیده‌ای بود که بعدها به یکی از چالش‌های اصلی فوتبال ایران تبدیل شد. تقابل شخصیت عبدی با «هادی خضوعی»، مربی پاک‌دست و اخلاقی مدار داستان، از محورهای اصلی سریال بود و «به‌سوی افتخار» تلاش داشت تا نشان دهد فوتبال تنها در زمین مسابقه خلاصه نمی‌شود و اتفاقات پشت پرده می‌تواند سرنوشت یک تیم و حتی یک قهرمانی را تغییر دهد؛ نگاهی که برای تلویزیون

اواخر دهه ۷۰ شمسی، جسورانه به شمار می‌رفت. اکبر عبدی طی بیش از چهار دهه فعالیت هنری، ده‌ها نقش متفاوت را تجربه کرد، اما ایفای نقش دلال فوتبال در «به‌سوی افتخار» برای علاقه‌مندان فوتبال، ارزش تاریخی دارد. او با توانایی بی‌نظیرش در شخصیت‌پردازی، تصویری باورپذیر از یکی از چهره‌های پنهان فوتبال ارائه داد؛ تصویری که با گذشت نزدیک به سه دهه، همچنان برای مخاطبان آشنا و قابل لمس است و نشان می‌دهد که نام اکبر عبدی تنها با آثار کمدی گره نخورده است، بلکه او در حافظه فوتبال‌دوستان نیز با نقش آفرینی در سریالی ماندگار باقی خواهد ماند، جایی که پیش از فراگیر شدن بحث دلالی، یکی از نخستین تصویرهای نمایشی از این پدیده را روی آنتن تلویزیون برد. پس از انتشار خبر درگذشت اکبر عبدی، سبیل عظیمی از پیام‌های تسلیت از سوی جامعه فوتبال، اعم از بازیکنان، مربیان و پیشکسوتان، سرازیر شد که همگی یاد این هنرمند بزرگ را گرامی داشتند. عبدی اگرچه با هنر و لاییش در دل مردم جاودانه شد، اما علاقه صادقانه او به فوتبال و ارتباط گرم و صمیمی‌اش با اهالی این ورزش نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث ماندگار او به شمار می‌رود. فوتبال ایران، در کنار جامعه هنر، یکی از وفادارترین و شناخته‌شده‌ترین هواداران خود را در دست داد؛ هنرمندی که با خنده و کلامش، به زندگی‌ها رنگ و طراوت بخشید و با عشقش به فوتبال، پیوندی ناگسستنی میان هنر و ورزش برقرار کرد.



کنند. این واقعیت تلخ، معضل اجتماعی و اقتصادی پشت پرده این بازار سیاه را برجسته می‌کند. جام جهانی ۲۰۲۶ ثابت کرد که برزند پوشاک مثل آدیداس یا نایکی است؛ سودهای نجومی حاصل از فروش این کیت‌های ۳۰ دلاری، مستقیم یا غیرمستقیم به شریان‌های مالی شبکه‌های جازام می‌سازمان یافته، پولشویی و حتی گروه‌های تروریستی تزریق می‌شود. این بعد از ماجرا، نگرانی‌های عمیق‌تری را در محافل امنیتی ایجاد کرده است. با این حال، در شرایطی که قیمت یک لباس اورجینال فوتبال سر به فلک می‌کشد، هواداران کم‌درآمدتر ترجیح می‌دهند چشمان خود را روی این حقایق تلخ ببندند و با لباس‌های تقلبی فوق‌ستاره آرژانتینی در جشن‌ها شرکت

بر اساس آمار رسمی گمرک ایالات متحده، بین ۷۰ تا ۶۰ درصد این محصولات قاچاق مستقیماً از چین و هنگ‌کنگ، مراکز اصلی و قدیمی جعل البسه ورزشی دنیا بازرگیری شده بودند. سودجویان برای دور زدن سیستم‌های گمرکی به شگردهای عجیبی متوسل شده بودند؛ در یکی از عجیب‌ترین پرونده‌ها، محموله‌ای که در بازنامه رسمی آن عبارت «حوله» درج شده بود، پس از کشف‌افت کارتن‌ها مشخص شد که بیش از ۲۰۰۰ کیت و لباس ورزشی تقلبی مسی و تیم‌های بزرگ را در خود جای داده است. این جنجال مالی و حقوقی تنها به آمریکای شمالی محدود نماند. در آن سوی اقیانوس اطلس، پلیس بریتانیا طی یک عملیات ضربتی در اسکاتلند موفق شد یک انبار بزرگ حاوی ۵۸ هزار پیراهن تقلبی جام جهانی به ارزش ۵.۵ میلیون پوند را کشف و ضبط کند. نکته جالب اینجاست که این شبکه بریتانیایی تمرکز خود را روی تولید لباس‌های پنج غول اروپایی یعنی انگلیس، اسکاتلند، فرانسه، اسپانیا و پرتغال گذاشته بود و این نشان می‌دهد که بازار سیاه لباس‌های فوتبال جعلی، ابعاد جهانی غیرمجاز دیگر ضبط شود.

غیرقانونی باشند.

در روزهای منتهی به فینال، محله‌های پررفت‌وآمد نیویورک به‌ویژه میدان تایمز، به تسخیر دستفروشان‌شان درآمده بود که کیت آرژانتین را با نام مسی به قیمت ۳۰ تا ۴۰ دلار عرضه می‌کردند. این در حالی است که نسخه اصلی و لیسانس‌شده آدیداس در فروشگاه‌های رسمی با قیمت ۱۱۰ دلار به فروش می‌رسید. این اختلاف قیمت فاحش، هواداران پرشور را ترغیب می‌کرد تا بدون هیچ ابایی اعتراف کنند پیراهن‌های تن‌شان حاصل خرید از خیابان یا سایت‌های زیرزمینی است. ابعاد این تجارت غیرقانونی بسیار گسترده‌تر از دستفروشی‌های ساده خیابانی است. تنها در کلان‌شهر نیویورک، مأموران بازرسی مجرب مجبور به گشت‌زنی و بازرسی بیش از ۱۴۰۰ پرواز، محموله تجاری سنگین و حدود ۲۰۰۰ مرسوله پستی شدند که نتیجه آن، توقیف ۶۵ هزار کالای قاچاق در یک نقطه بود. موج این عملیات‌های پلیسی به سرعت به میامی، هیوستون و حتی تورنتو کانادا نیز رسید تا هزاران جامه غیرمجاز دیگر ضبط شود.

خودنمایی می‌کرد؛ پیراهن شماره ۱۰ لیونل مسی، اسطوره فوتبال آرژانتین.

در روزهای سرنوشت‌ساز یابانی مسابقات، نیروهای امنیتی و گمرک آمریکا طرحی ویژه و قاطعانه را تحت عنوان عملیات سوت پایان (Operation Final Whistle) به اجرا گذاشتند. هدف اصلی این پاتک سنگین، پاک‌سازی شهرهای میزبان از توره‌های پهن‌شده توسط شبکه‌های توزیع‌کننده لباس‌های جعلی بود. فرانک روسو، مدیر عملیات گمرک نیویورک، در جمع خبرنگاران با تأکید بر ابعاد گسترده این عملیات گفت: «در میان تمام لباس‌های کشف‌شده از کراسر جهان، امنیتی آن اکنون در حال روشن شدن است و بیشترین حجم توقیفی را به خود اختصاص داده است. وقتی یک بازیکن در این سطح از محبوبیت گمراه‌فنی قرار دارد، طبیعی است که در جبهه خلافکاران تقویف بی‌سابقه حجم عظیمی از کالاهای تقلبی خبر دادند. بیش از ۴۴۵ هزار قلم کالا با ارزش ناخالص تخمینی ۲۲ میلیون دلار که در میان انبوه لباس‌ها و وسایل ورزشی قاچاق، یک نام و یک شماره بیش از همه

سوژه

محمد رضا رحیم پور

خبرنگار

جام جهانی ۲۰۲۶ که با میزبانی مشترک ایالات متحده، کانادا و مکزیک برگزار شد، تنها به دلیل درخشش ستارگان فوتبال در دست‌نیل سبز به یاد نخواهد ماند. این تورنمنت ورزشی عظیم، روی دیگری نیز داشت که در تارک خانه‌های قاچاق و بازار سیاه رقم خورد؛ پدیده‌ای که ابعاد مالی و امنیتی آن اکنون در حال روشن شدن است. همزمان با اوج‌گیری تب رقابت‌ها و نزدیک شدن به فینال بزرگ در ورزشگاه «مت‌لایف» نیوجرسی، گمرک و سازمان حفاظت مرزی آمریکا (CBP) از کشف و توقیف بی‌سابقه حجم عظیمی از کالاهای تقلبی خبر دادند. بیش از ۴۴۵ هزار قلم کالا با ارزش ناخالص تخمینی ۲۲ میلیون دلار که در میان انبوه لباس‌ها و وسایل ورزشی قاچاق، یک نام و یک شماره بیش از همه